

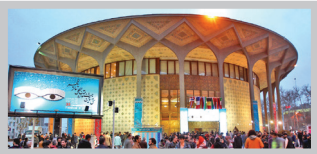
به تماشای «هیئات»

اگر اهل تماشای فیلم‌های مناسبتی هستید و دلتان می‌خواهد داستان‌های مذهبی را از زاویه نگاه سینمایی بگیرید، می‌توانید سراغ فیلم «هیئات» بروید. فیلمی که این روزها در حال اکران است و چهار کارگردان سینمای ایران، مجموعه‌ای ایزودیک با تکیه بر مفاهیم عاشورایی را از دل زندگی شهری امروز بیرون کشیده و دنبال کرده‌اند. حمید فرخ‌نژاد، حامد بهداد، مینا ساداتی، بابک حمیدیان، آلا نجم و بهارن بنی‌احمد بازیگران این مجموعه هستند و دانش اقباشاوی، هادی نایچی، هادی مقدم‌دوست و روح‌الله حجازی این چهار ایزودر کارگردانی کرده‌اند. اگر شانس بیابورید، ممکن است برخی سینمادارها در روزهای تعطیل این هفته، این فیلم را برای نمایش آماده کنند.

یکشنبه ● ۱۸ مهر ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و چهار

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

● تئاتری ترین ●



تعطیلی به مناسبت ایام محرم

این هفته هیچ کدام از اجراهای تئاتر شهر روی صحنه نمی‌روند. این خبر را مدیر مجموعه تئاتر شهر اعلام کرده، اما تکبید می‌کند که فقط اجراهای صحنه‌ای برگزار نمی‌شوند و اجراهای خیابانی یا تزییه‌ای مشمول این قاعده نمی‌شوند. به گفته او: «از دهه دوم محرم در فضای باز تئاتر شهر تزییه و آیین‌های عاشورایی مناطق مختلف اجرا خواهد شد که این برنامه همانند سال‌های گذشته پس از کمتر شدن برنامه‌های مردمی و تکیه‌ها تدارک دیده می‌شود.» به این ترتیب اگر از علاقه‌مندان به تزییه هستید، می‌توانید در این دو هفته تئاتر شهر را به عنوان مقصد انتخاب کنید.

● سینمایی ترین ●



برنامه تعطیلی سینماها

روز دوشنبه، ساعت ۱۷، آخرین سانس سینماهاست. پیش از تعطیلی سه‌روژه می‌توانید به سینماها بروید. روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه به مناسبت تاسوعا و عاشورا سینماها تعطیل خواهند بود. روز پنج‌شنبه به انتخاب مدیران سینما گذاشته شده و روز جمعه به دلیل شهادت امام‌زین‌العابدین (ع) سینماها تعطیل است. اما در این میان اگر مدیران سینماها تصمیم بگیرند نمایش فیلم ویژه داشته باشند، دستشان باز است و می‌توانند فیلم‌های «روند»، «هیئات» و «کربلا جغرافیای تاریخ» را نمایش دهند. این فیلم‌ها به دلیل مضمونشان برای اکران در این فصل از سال انتخاب شده‌اند.

● پر فروش ترین ●



«فروشنده» در صدر

فیلم سینمایی «فروشنده» تا امروز توانسته ۱۱ میلیارد و ۵۰ میلیون تومان فروش داشته باشد. رتبه دوم فروش فیلم‌های در حال اکران نیز به «لاتوری» اختصاص دارد که فروش ۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان را پشت سر گذاشت. اما هردو فیلم اکران خود را از هفته‌های پیش آغاز کرده‌بودند. در میان فیلم‌هایی که اکران خود را از هفته گذشته آغاز کرده‌اند، می‌توان به فروش ۷۵۰ میلیون تومانی «خشکسالی و دروغ» در ۹ روز، فروش ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی «هیئات» در ۲ روز و فروش ۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی «کربلا جغرافیای یک تاریخ» در ۱۲ روز اشاره کرد.

حقیقت بر سر نیزه!

تصویری که سینما و تلویزیون از عاشورا به ما هدیه داد



یزید سخنرانی می‌کند. پایان داستان نیز مشخص است، پس از این

سخنرانی قیس به دستور ابن زیاد کشته می‌شود. نقش قیس را در این فیلم سینمایی فرامرز قریبیان بازی می‌کرد. فیلمی سرپا و محکم که داستان را در چارچوب داستانی‌اش روایت می‌کند و تاثیر گذاری‌اش

تازه‌ترین فیلم عاشورایی

ناگفته نگذاریم که یکی از فیلم‌هایی که به صورت مستقیم به روایت روز عاشورا و زندگی امام حسین (ع) می‌پردازد، فیلم سینمایی «رستاخیز» است که هنوز مجوز حضور در اکران را پیدا نکرده است. فیلم تازه احمد رضا درویش همچنان در انتظار پروانه نمایش مانده است. شبیه به دیگر فیلم‌های این حوزه که در زمانه خودشان کمتر دیده شدند و کمتر تشویقی نصیبشان شد، حالا باید صبر کنیم و منتظر بمانیم که پرونده نیمه‌باز «رستاخیز» چه سرنوشتی پیدا می‌کند.

■ «سفیر» در سینما

«روز واقعه» در سیزدهمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد، موفقیت فراوانی نیز به دست آورد. از یک طرف فیلم‌نامه قرص و محکم بهرام بیضایی و از سوی دیگر کارگردانی تمیز و منظم شهرام اسدی، در کنار نقش آفرینی بازیگران کمتر دیده‌شده‌ای مثل علی‌رضا شجاع‌نوری و لادن مستوفی، باعث شد تا «روز واقعه» مهم‌ترین فیلم سینمایی ایران در مورد محرم و امام حسین (ع) باشد. اما نخستین فیلم پس از انقلاب را باید به نام «سفیر» ثبت کرد. فیلمی به کارگردانی فریبرز صالح که چند ماه پیش از دنیا رفت. «سفیر» در نخستین جشنواره فیلم فجر نیز نمایش داده شد، اما کمتر دیده شد. داستان آن درباره قیس بن مسهر است، کسی که با نامه‌ای از سوی امام حسین (ع) به کوفه می‌رود و در راه ماموران ابن زیاد او را دستگیر می‌کنند. به او می‌گویند در صورت سخنرانی علیه حسین بن علی از زندان آزاد می‌شود. او شرط را می‌پذیرد، روی منبر می‌رود و علیه



● رویاها و کابوس‌ها ●

● نگارمید ●

اندک زمانی

تأمر تیه خوانی

از هفتم ماه محرم، در همین تهران خودمان و در مسجد بوشهری‌ها، مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شود. مراسم جنوبی برای ادای احترام به امام حسین (ع). مراسمی که هر ساله برگزار می‌شود و جنوبی‌های دورافتاده از شهر را به آنجا می‌کشاند، تا با دمام و سنج به یادآوری آن اتفاق بنشینند. موسیقی متفاوتی از میان آواهای مرثیه‌خوانی‌شان شنیده می‌شود. ریتم متفاوتی به گوش می‌رسد که دل آدم را ریش می‌کند از فرط غم. در خوزستان هم مراسم نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی به شکلی متفاوت از تهران به گوش می‌رسد. لحن و صدای آدم‌ها برمی‌گردد، غصه به حرکت سر منجر می‌شود و آشکی که روی صورت می‌آید، با صدایی باورنکردنی ادامه پیدا می‌کند. شبیه به بندرعباس. آنجا هم مرثیه‌خوانی و ریتم در کنار هم جمع می‌شوند تا به سالار شهیدان ادای احترام شود. این روزها که همه‌جا رنگ‌وبوی محرم و عاشورا گرفته، یادم آمد به تاسوعا و عاشورا در اهواز. به وقتی که محله‌ها از حالت عرب‌نشین یا عجم‌نشین خارج می‌شدند و دسته‌های عزاداری راه می‌گرفتند توی خیابان‌های اصلی، به همدیگر سر می‌زدند و از همدیگر پذیرایی می‌کردند. یادم آمد به تزییه‌خوانی‌ها که به همین سادگی‌ها برگزار نمی‌شد. آداب و رسوم داشت. موسیقی با صلابتی پخش می‌شد که آدم‌ها با آن ارتباط برقرار می‌کردند. شاید به همین خاطر بود که اولین تزییه‌خوانی‌ها و مرثیه‌خوانی‌هایی که در تهران دیدم برایم جذابیتی نداشت. باورم نمی‌شد که آدم‌ها می‌توانند بدون این نوای جادویی دلشان را ببرند به جایی دورتر. برای ما، فرهنگ ما می‌گفت که نوای جادویی می‌تواند شما را تا خود لحظه واقعه پیش ببرد. در تهران اما از این خبرها نبود. مردم جدی‌تر و رسمی‌تر این مراسم را برگزار می‌کردند. نه اثری از کنار جوی آب نشستن بود و نه نشانی از چادرهای خاکی شده. به همین خاطر است که خبر مراسم عزاداری سنتی خوزستان و بندرعباس و بوشهر

■ شبیه به ختم کلام

پیش از «روز واقعه»، تلاش‌های فراوانی برای ساخت فیلم در ایام محرم شده بود. اما بیشتر داستان‌ها، داستان‌هایی امروزی بودند که در ماه محرم اتفاق می‌افتاد و این‌گونه نبود که کسی دست‌به‌کار ساخت فیلمی درباره واقعه عاشورا و صحرای کربلا شود. درحقیقت چه در سینما و چه در تلویزیون هر کجا داستان محرم را برآیمان به تصویر کشیدند، داستانی معاصر در دل آن نقش داشته است. همان‌طور که در «تینوا» دیدیم. فیلمی به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور و تولید سال ۶۲. داستان «تینوا» نیز از هم‌زمانی محرم و واقعه عاشورا در دل روزهای دفاع مقدس صحبت می‌کند. همان‌طور که در «دیده‌بان» ابراهیم حاتمی‌کیا به چشمان آمد، فیلمی تولیدشده در سال ۶۸ یا کمی آن‌سوتر می‌توان از «دیار عاشقان» اسم برد، فیلمی با بازی پرویز پرستویی و از تولیدات سال ۶۲ در این میان اما به‌جز «روز واقعه» هیچ کدام از فیلم‌ها در جلب نظر مخاطبان، توفیق قابل توجهی نداشتند. از طرف دیگر، تلاش‌های تصویرسازان تلویزیونی نیز عموماً محدود به داستان‌هایی شد که واقعه عاشورا را در دل اتفاق‌هایی داستانی دیدند و به سراغ داستان‌های تاریخی – مذهبی نرفتند. نمونه‌اش «شب دهم» که روایت دوران شاه بود و استبداد و هم‌زمانی‌اش با روزهای دهه محرم، یا «سفر سبز» که داستان دلنشین پسری بود به دنبال پیدا کردن رد و نشانی از خانواده‌اش. در هردو سربال، قهرمان اصلی در روز عاشورا به جواب خود می‌رسد که بهترین جواب است.

به این ترتیب همچنان می‌توانیم از «روز واقعه» به عنوان ختم کلام در این زمینه صحبت کنیم و دل بدهمیم به دل دیالوگ‌های جاندار فیلم. نمونه‌اش همان ابتدای فیلم، زمانی که می‌شنویم: «هن یکبار او -امام حسین (ع) – را دیده‌ام که با اسیران نصرانی عیسی مسیح را به شفاعت گرفت که آشتیگی نکنند و بن‌ذاری‌ای ایشان برداشت. هنوزم این سخن در گوش است که فرمود: ما برای برداشتن بند آمده‌ایم نه بند نهادن.»



در تهران، آدم را سر ذوق می‌آورد. همان‌طور که وقتی می‌شنویم در خانه هنرمندان یا محوطه تئاتر شهر، برنامه‌های ویژه‌ای تدارک دیده‌اند و مراسم طبق رسم و رسوم شهرهای مختلف برگزار می‌شود. برای ما که نمی‌توانیم تهران را به مقصد شهرهای دیگر ترک کنیم و نخل ببینیم یا لباس‌هایی متفاوت به تن نزنیم به خوانان، همین رسیدن به نوای جادویی گفایت می‌کند. اینکه در دل هوایی نفس بکشیم که می‌تواند ما را به دنیایی دیگر ببرد و برایمان داستان‌هایی روایت کند. نه آنکه داستانی متفاوت، بلکه روایت متفاوتی از یک اتفاق.

در این میان، موسیقی و نوای جادویی‌اش به کمک ما می‌آیند تا تاثیر بیشتری حس کنیم و وقتی که نباشد، انگار چیزی کم داریم. انگار با این ضبط‌صوت‌های ارزان و سسی‌دی‌های دوآهنگه نمی‌توانیم به عمق مطلب برسیم. نمی‌توانیم آن ثانیه‌ها و آن زجر و رجز و مرثیه را حس کنیم. برای ما که با ضربه‌ها بزرگ شده‌ایم، اگر نوای تکرار ریتم در گوشمان زنگ زند، انگار به دل داستان نزده‌ایم و ندیده‌ایم. انگار آن سال تاسوعا برایمان تاسوعا نیست. نه آنکه نباشد، تاثیرش کمتر است. پیشنهاد می‌کنم امسال، به باتوق جنوبی‌ها بروید، به جایی که سنج و دمام توی گوشتان می‌نشیند و تکرار یک نوای مستعد اتفاق را برایتان متفاوت می‌کند. به این باتوق‌ها بروید و ببینید که وقتی از عمق و تاثیر صحبت می‌کنیم، دقیقاً چه می‌گوییم. ببینید که در فرهنگ جنوب، از واقعه کربلا با چه سوز و گدازی با می‌شود. ببینید که مردم جنوب با چه ریتم‌هایی بزرگ شده‌ایم و موسیقی تا کدام لحظه‌های زندگی همراه‌انها آمده است.